

ابن عربی از نگاهی دیگر

تحقیقی جامع بر آراء و عقاید، مذهب، عرفان و فتاوی ابن عربی

سید محسن طیب‌نیا

ابن عربی از نگاهی دیگر

سید محسن طیب نیا

انتشارات دلیل ما

چاپ اول (ویرایش جدید): زمستان ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پرتو شمس

چاپ: نگارش

قیمت: ۳۱۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۹۵۶-۰

تلفن و نمابر: ۰۲۱-۴۴۹۸۸۰۰۰ / ۳۷۷۳۳۴۱۳ (۹۸۲۵+)

آدرس: قم، خیابان علم، مجتمع ناشران

طبقه ششم، واحد ۶۰ و ۶۱

www.dalilema.ir (با امکان خرید اینترنتی) انتشارات دلیل ما

Dalilema@yahoo.com سامانه پیام کوتاه: ۵۰۰۰۱۴۵

مراکز پخش:

- ۱) قم، خ معلم، مجتمع ناشران طیب، واحد ۹، تلفن: (۱۰ خط) ۳۷۸۴۲۴۶۶
- ۲) قم، خ صفائیه، رویروی کوچه ۳۸، پلاک ۷۵۹، نگاه دلیل ما، تلفن: ۳۷۷۳۷۰۱۱ - ۳۷۷۳۷۰۰۱
- ۳) تهران، خ انقلاب، خ فخررازی، نگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن: ۶۶۴۶۴۱۴۱
- ۴) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی، باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن: ۳۲۲۳۷۱۱۳-۵

سرشناسه	طیب نیا، سید محسن
عنوان و پدیدآور	ابن عربی از نگاهی دیگر: تحقیقی جامع در آثار و عقائد، مذهب، عرفان، و فتاوی ابن عربی / سید محسن طیب نیا.
وضعیت ویراست	ویراست ۲
مشخصات نشر	تهران: دلیل ما، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۶۵۰ ص.
شابک	978-964-397-956-0
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه ص. [۶۴۳] - ۶۵۰؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق. -- سرگذشتنامه.
موضوع	عارفان -- قرن ۷ ق -- سرگذشتنامه
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ۹۴ ط ۲ الف ۲ / ۲۷۹ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷ / ۸۹۲۴:
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۱۷۷۸۷:

فهرست مطالب

مقدمه چاپ دوم	۱۳
مقدمه	۱۹
۱- شرح زندگانی ابن عربی	۲۹
۲- اساتید ابن عربی	۳۳
ابو العباس عرینی	۳۳
ابو مدین غوث تلمسانی	۳۴
فاطمه قرطبی	۳۶
۳- آثار ابن عربی	۳۷
الفتوحات المکیة	۳۸
فصوص الحکم	۴۰
ترجمان الأشواق	۴۲
۴- مشایخ بزرگ صوفی در آثار ابن عربی	۴۷
۱. بایزید بسطامی	۴۷
۲. سهل بن عبد الله تستری	۵۱
۳. حسین بن منصور حلاج	۵۳

۴. أبو طالب مکی..... ۵۸
۵. ابو حامد غزالی..... ۵۹
۶. عبد القادر گیلانی..... ۶۰
- ۵- سخن برخی از رجال شیعه درباره مذهب ابن عربی..... ۶۳
- ۶- دلایل شیعه نبودن ابن عربی..... ۸۳
- (۱) نص و دلیل قطعی بر شیعه نبودن ابن عربی..... ۸۳
- (۲) وی را بیکر را خلیفه بلا فصل رسول خدا ﷺ می داند..... ۸۷
- (۳) بیان مناقب شیخین..... ۸۹
- الف- این «نحریات» کتاب ابن عربی است..... ۸۹
- ب- ابن عربی- را این خود موارد تقیه کرده است..... ۹۰
- (۴) ابن عربی عمر را معصوم می داند!..... ۹۶
- (۵) ابن عربی عثمان را نفس پیامبر ﷺ و خلیفه حق از جانب وی می داند..... ۱۰۳
- (۶) چشم پوشی ابن عربی از مناقب امام علی بن ابی طالب ﷺ..... ۱۰۶
- (۷) بی حرمتی به امام علی ﷺ با نقل حدیث «علی..... ۱۱۰
- (۸) فحاشی به پیروان خاندان طهارت ﷺ..... ۱۱۲
- (۹) ابن عربی آیه «اولی الامر» را بر مبنای اهل تسنن تفسیر می کند..... ۱۱۲
- (۱۰) ابن عربی ادعا دارد که اراده خداوند بر این بوده است که بوبکر و عثمان در خلافت بر امام علی ﷺ مقدم شوند..... ۱۱۴
- (۱۱) طول عمر خلفای راشدین دلیل بر حقانیت آنها..... ۱۱۶
- (۱۲) بر خلاف عقیده شیعه مهدی موعود ﷺ را از نسل امام حسن مجتبی ﷺ معرفی می کند..... ۱۱۷
- (۱۳) بر خلاف اجماع شیعه می گوید حضرت مهدی ﷺ به حضرت عیسی ﷺ در هنگام نماز اقتدا می کند..... ۱۲۰
- (۱۴) ابن عربی متوکل جنایتکار را خلیفه رسول الله ﷺ و از اولیای بزرگ خداوند می داند..... ۱۲۱
- (۱۵) هیچ خبری از معارف خاندان عصمت و طهارت ﷺ در توحید و خدا شناسی در آثار ابن عربی مشاهده نمی شود..... ۱۲۲

۱۲۲	۱۶) بیان مسائل فقهی طبق مذاهب اهل سنت
۱۲۵	۷- دیدگاه ابن عربی درباره شیعیان
۱۳۱	۸- قطب در دیدگاه ابن عربی
۱۳۶	ملاقات محی الدین با قطب
۱۳۶	۱- ملاقات با احمد بن هارون الرشید
۱۳۸	۲- ملاقات با قطب زمان در سال ۵۹۳ ه. ق.
۱۴۱	۹- «اولی الامر» از دیدگاه ابن عربی
۱۴۸	موضوع انتقاد به خلفای جور
۱۴۹	جواز قتل مخالفان حکام جور
۱۵۱	۱۰- دیدگاه ابن عربی درباره بدر حضرت امیر مؤمنان علی (ع)
۱۵۷	۱۱- دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در مورد ابن عربی
۱۶۵	۱۲- وحدت وجود در عرفان ابن عربی
۱۶۵	تعریف وحدت وجود و موجر د
۱۶۸	ریشه های تاریخی وحدت وجود در اندیشه های خارج از اسلام
۱۶۹	الف: وحدت وجود در فلسفه هند
۱۷۰	ب: وحدت وجود در فلسفه رواق
۱۷۰	ج: وحدت وجود در فلسفه نوافلاطونیان
۱۷۲	د: تأثیر افکار فلوپین در تصوف و عرفان منتسب به اسلام
۱۷۴	ه: وحدت وجود در دیانت یهود و مسیح و افکار «فیلون» و
۱۷۷	و: ریشه یابی وحدت وجود در عقاید ابن عربی
۱۷۹	وحدت وجود در عرفان ابن عربی
۱۹۰	تقریر و نقد وحدت وجود ابن عربی
۱۹۳	نقد سخنان جناب جهانگیری
۲۱۰	نتیجه مباحث
۲۱۳	۱۳- وحدت وجود در آثار عرفای منتسب به اسلام

۱۶	بیان مسائل فقهی طبق مذاهب اهل سنت	۱۲۲
۷	دیدگاه ابن عربی درباره شیعیان	۱۲۵
۸	قطب در دیدگاه ابن عربی	۱۳۱
	ملاقات محی الدین با قطب	۱۳۶
۱	ملاقات با احمد بن هارون الرشید	۱۳۶
۲	ملاقات با قطب زمان در سال ۵۹۳ ه. ق	۱۳۸
۹	«اولی الامر» از دیدگاه ابن عربی	۱۴۱
	معارضه انتقاد به خلفای جور	۱۴۸
	جواز قتل مخالفان حکام جور	۱۴۹
۱۰	دیدگاه ابن عربی درباره حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام	۱۵۱
۱۱	دیدگاه حضرت امام تمیم رحمته الله علیه در رد ابن عربی	۱۵۷
۱۲	وحدت وجود در عرفان ابن عربی	۱۶۵
	تعریف وحدت وجود و موجود	۱۶۵
	ریشه‌های تاریخی وحدت وجود در اندیشه‌های خارج از اسلام	۱۶۸
	الف: وحدت وجود در فلسفه هند	۱۶۹
	ب: وحدت وجود در فلسفه رواق	۱۷۰
	ج: وحدت وجود در فلسفه نوافلاطونیان	۱۷۰
	د: تأثیر افکار فلوطین در تصوف و عرفان منتسب به اسلام	۱۷۲
	ه: وحدت وجود در دیانت یهود و مسیح و افکار «فیلون» و...	۱۷۴
	و: ریشه یابی وحدت وجود در عقاید ابن عربی	۱۷۷
	وحدت وجود در عرفان ابن عربی	۱۷۹
	تقریر و نقد وحدت وجود ابن عربی	۱۹۰
	نقد سخنان جناب جهانگیری	۱۹۳
	نتیجه مباحث	۲۱۰
۱۳	وحدت وجود در آثار عرفای منتسب به اسلام	۲۱۳

- ۱۴- انسان‌ها و سایر موجودات فقط خدا را می‌پرستند..... ۲۲۷
- ۱۵- بت پرستی در کلام ابن عربی و تابعان وی..... ۲۳۷
۱. عقیده به وحدت وجود و موجود..... ۲۳۷
۲. عقیده به تعلق قضای الهی به اینکه جز او پرستش نشود..... ۲۴۲
- ۱۶- حقانیت تمام ادیان..... ۲۴۹
- ۱۷- عقیده به جبر مطلق در عرفان ابن عربی..... ۲۶۱
- الف: زبانی بودن اختیار..... ۲۶۷
- ب: فکر و تأمل..... ۲۶۸
- ج: احساس شرم و شیمانی..... ۲۶۸
- د: نظام جزا و پاداش..... ۲۶۹
- ه: نظام تعلیم و تربیت..... ۲۶۹
- و: ارسال انبیاء..... ۲۶۹
- ۱۸- اعیان ثابت در عرفان ابن عربی..... ۲۷۷
- ۱۹- مقامات خدا در دیدگاه عرفا و متصوف..... ۲۸۳
- ۲۰- تشبیه و تنزیه خداوند در عرفان ابن عربی..... ۲۸۹
- ۲۱- زن و عشق از دیدگاه ابن عربی..... ۲۹۹
- ۲۲- فرعون از دیدگاه ابن عربی..... ۳۰۹
- ۲۳- نوح نبی علیه السلام از دیدگاه ابن عربی..... ۳۱۹
- ۲۴- نسبت دادن عدم آگاهی به ابراهیم علیه السلام..... ۳۲۷
- ۲۵- رستگاری در جهنم..... ۳۲۹
- ۲۶- ابن عربی و ختم ولایت..... ۳۳۵
- ۲۷- مکاشفات ابن عربی..... ۳۴۵
- (۱) آشکار شدن مقام ابوبکر و عمر با کشف و شهود..... ۳۴۷
- (۲) ملاقات با احمد بن هارون الرشید با مکاشفه..... ۳۴۸
- (۳) بیان احکام از طریق مکاشفه که مخالف با اجماع مذهب تشیع است..... ۳۵۳
- نقد و بررسی این مکاشفه..... ۳۵۴

۴) ابن عربی ادعا دارد که فصوص الحکم را در عالم شهود از حضرت رسول خدا ﷺ گرفته است ۳۵۵

۱. تحریف و اقیعات ۳۵۵

۲. وجود عقاید فاسد در این کتاب ۳۵۶

۲۸- بی‌نیازی از معرفت امام زمان (عج) ۳۵۹

۲۹- گرفتن مستقیم علوم از خدا ۳۶۷

۳۰- آفرینش جهان هستی از دیدگاه ابن عربی ۳۷۱

۳۱- جهان این بحث ۳۷۵

۳۱- حقایق یا توهمات ۳۷۷

۳۲- تجلیل ابن عربی از حجاج بن یوسف ۳۷۹

۳۳- مقام متوکل عباسی در دیدگاه ابن عربی ۳۸۵

۳۴- بیان برخی از فتاوی ابن عربی ۳۹۳

۱. کسی که نماز خود را حتی از وی ترک کند، قضا ندارد! ۳۹۳

۲. پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله» از گوش می‌کرد! (نعود بالله) ۳۹۴

۳. هنگام غائط و بول کردن رو به قبله بودن جایز است ۳۹۵

۴. نماز جمعه بر مسافر واجب است ۳۹۶

۵. روزه به خوردن و آشامیدن عمدی، قضا و کفاره ندارد! ۳۹۶

۶. «الصلاة خیر من النوم» به جای «حي علی خیر العمل» سنت حاشیه است! ۳۹۷

۷. تکثیف در نماز جایز است! ۳۹۷

۸. ابن عربی حکم به جواز آمین بعد از سوره فاتحه را صادر می‌کند! ۳۹۸

۹. ابن عربی اضطباع را در طواف لازم می‌داند! ۳۹۸

۱۰. سفارش به روزه روز عاشورا ۳۹۹

۱۱. دباغی پوست میته را پاک می‌کند! ۴۰۰

۱۲. ابن عربی تمام بدن زن را عورت ندانسته است! ۴۰۰

۳۵- باز هم از ابن عربی بشنوید! ۴۰۵

۱. معصوم نیز گناهان را مرتکب می‌شود ۴۰۵

۲. ابن عربی مقام امام علی علیه السلام را از خلفای ثلاثه پایین تر می داند..... ۴۰۷
۳. ادعای ابن عربی در مقام و عظمت خویش..... ۴۰۷
۴. ابن عربی خود را وارث پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می کند و مدعی است که می تواند پشت سر خود را بیند..... ۴۰۹
۵. دریای معارف الهی در سینه ابن عربی موج می زند..... ۴۰۹
۶. ابن عربی بدعت ها را سنت های مشروع می داند..... ۴۰۹
۷. ابن عربی تمام صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله را عادل می داند..... ۴۱۰
۸. دادن سخنان مولانا امام علی بن ابی طالب علیه السلام به شیخین!..... ۴۱۱
۹. اعتبار کمتر روایی اهل سنت..... ۴۱۲
۱۰. ابن عربی روزه را حرام و یا مستحب می داند..... ۴۱۲
۱۱. ابن عربی تکلیف مالا طاق جایز می داند..... ۴۱۲
۱۲. وی حسن و قبح را فقط شرعی می داند..... ۴۱۳
۱۳. تحریف حدیث متواتر تقلین..... ۴۱۴
۱۴. اهانت غیر مستقیم به بانوی دو عالم - حضرت فاطمه زهرا علیها السلام..... ۴۱۵
- ۳۶- مخالفان ابن عربی..... ۴۱۷
- ۱- مقدس اردبیلی رحمته الله علیه..... ۴۱۷
- ۲- علامه شیخ حرّ عاملی..... ۴۱۸
- ۳- ملا محسن فیض کاشانی..... ۴۲۱
- ۳۷- سخنی با ابن عربی..... ۴۲۵
- الحاقیه اول: نقد اجتهادی برخی از فتاوای ابن عربی..... ۴۳۳
۱. کسی که نماز خود را حتی از روی عمد ترک کند، قضا ندارد!..... ۴۳۳
۲. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله - العیاذ بالله - غنا گوش می کرد!..... ۴۴۵
۳. هنگام غناظ و بول کردن رو به قبله بودن جایز است!..... ۴۵۸
۴. نماز جمعه بر مسافر واجب است..... ۴۶۶
۵. روزه به خوردن و آشامیدن عمدی، قضا و کفاره ندارد!..... ۴۷۱

۶. «الصلاة خير من النوم» به جای «حی علی خیر العمل» سنت حسنه است! ۴۷۵
۷. تکتّف در نماز جایز است! ۴۸۱
۸. ابن عربی حکم به جواز آمین بعد از قرائتِ سوره فاتحه در نماز را صادر می‌کند! ۴۸۸
۹. سفارش به روزه روزِ عاشورا! ۴۹۴
۱۰. حکم جمع نمودن بین نمازها از نظر ابن عربی!! ۵۰۲
- الحاقیه دوم: سخنان برخی از علمای شیعه درباره ابن عربی ۵۲۱
- الحاقیه سوم: دو نکته قابل تأمل ۵۳۵
- الحاقیه چهارم: سیری در کتاب: محیی الدین در آینه فصوص ۵۴۷
- الحاقیه پنجم: نقد کتاب شهید عرفان ۵۹۵
- نقد مقدمه و بخش از محتوای کتاب ۶۰۰
- خاتمه مسکّن ۶۱۷
- متن رساله الإنصاف ۶۱۹
- گزارشی مفصل از رساله الإنصاف، گرفته از کتاب بازگشت ۶۳۲
- فهرست منابع ۶۴۳

باسمه تعالی

مقدمه چاپ نهم

خوانندگان عزیز توجه فرمایند که هرچند ما در این کتاب با دلائل گویا، عرفان ابن عربی و پیروان وی و سایر صوفیاء را مورد ردّ قرار داده‌ایم؛ اما هرگز منکر عرفان راستین نیستیم. ما معتقدیم که عرفان صحیح را باید از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) آموخت و آنچه که بشر در عرصة عرفان عرضه نموده است هرگز قابل اعتماد نمی‌باشد.

عرفان صوفیانه انسان را به تکبر و تفرعن می‌کشاند؛ اما عرفان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) فقر ذاتی خویشتن را مدام به انسان تذکر می‌دهد.

عرفان ناب اسلامی - که برخاسته از تعالیم نورانی خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) است - بشر را از منیت‌ها و خود بزرگ‌بینی‌ها تُهی می‌گرداند و دل و جان انسان را نورانی می‌سازد و به وی می‌آموزد که:

ای بشر، تو مخلوق خدایی و ولی نعمت تو خداست؛ پس همیشه خود را فقیر درگاه او بدان و لحظه‌ای خود را از او بی‌نیاز مپندار و کوس «أنا الحق» نزن، که اگر از او جدا شوی و خود را بی‌نیاز از ذات غنی خدا بینی، هر آینه هلاک می‌گرددی.



در عرفان ناب اسلامی، سالک خود را نقطه‌ای در عالم می‌بیند که دائم محتاج اعطای الهی است و هرگز خود را هم سنخ خداوند متعال نمی‌بیند. اکنون بخشی از این معارف را از مظهر تام اسم اعظم الهی در عالم، اسد الله الغالب، وجه خداوند در آسمان‌ها مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما بشنوید:

مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الدَّلِيلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الدَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الْحَقِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا الْمُسْتَغْنَى، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُسْتَغْنَى إِلَّا الْمُعْطَى..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَائِي، وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَائِي إِلَّا الْبَاقِي..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ..
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ..^(۱)

و نیز از نور خدا، حضرت صدیقه کبری علیها السلام بشنوید که چنین با پروردگارش

۱. چند فراز از مناجات ملکوتی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام.

مراجعه کنید به: مفاتیح الجنان، باب سوّم در زیارات است، فصل پنجم در فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن و اعمال آن مسجد و زیارت جناب مسلم است، و اعمال مسجد کوفه، مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام.

مناجات می کند:

اللَّهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسِي فِي نَفْسِي وَ عَظِّمْ شَأْنَكَ فِي نَفْسِي وَ أَلْهِنِّي طَاعَتَكَ
وَأَعْمَلْ بِمَا يُرْضِيكَ وَ التَّجَنَّبْ لِمَا يُسْخِطُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^(۱)

پروردگارا! نفس مرا در نظر خودم خوار و ذلیل، و شأن و منزلت خودت را در
نظرم بزرگ بدار، و طاعت نسبت به خودت و عمل به آنچه که خوشنودی و
رضای تو را فراهم می سازد، و اجتناب از آنچه که تو را به خشم می آورد، به
من الهام فرما، ای بخشنده ترین بخشنندگان!

آری این است محتوای روح عرفان اسلامی که سالک الی الله، همواره خود را
فقیر و حقیر در راه الهی می بیند و دائم با چشمانی پر از اشک، روی به درگاه الهی دارد
و خدا را خالصانه و بی لبی ثقی از سنیت و تکبر می خواند.

اکنون خوانندگان محترم خرد قناریت کنند که سخنان مولانا امیر المؤمنین سلام الله
علیه و سخنان مولانا فاطمة الزهراء صلوات الله علیها کجا و این سخنان صوفیانه کجا!!

۱. مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۱۴۱.

اللَّهُمَّ قَنِّني بِمَا رَزَقْتَنِي وَ اسْتَرْني وَ غَافِنِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَ خِزْلِي وَ اذْهَبْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي اللَّهُمَّ لَا تُفْنِي فِي
طَلَبِ مَا لَا تَقْدِرُ لِي وَ مَا قَدَّرْتَهُ عَلَيَّ فَاجْعَلْهُ مُيَسَّرًا سَهْلًا اللَّهُمَّ كَافِي حَبِي وَ الْيَوْمَ كُلِّ مَنْ لَهُ نِعْمَةٌ عَلَيَّ خَيْرُ مُكَافَأَةٍ
اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكْفَلْتَنِي بِهِ وَ لَا تُعَذِّبْنِي بِمَا أَنْفَعْتَنِي وَ اِنَّا أَنْفَعُ لَكَ لَا تُخْرِصْنِي وَ أَنَا أَسْأَلُكَ
اللَّهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسِي فِي نَفْسِي وَ عَظِّمْ شَأْنَكَ فِي نَفْسِي وَ أَلْهِنِّي طَاعَتَكَ وَ الْعَمَلْ بِمَا يُرْضِيكَ وَ التَّجَنَّبْ لِمَا يُسْخِطُكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ خداوند! مرا به آنچه که روزیم نموده ای قانع ساز، و تا هنگامی که منافع من را بر تو نفع دارد، مرا از
[عیب] مرا بیوشان و سلامت بدار، و هنگامی که میراندی مرا بیمار و رحمت نمای. بار خدایا! در جستجوی
آنچه که برابم مقدر نموده ای خسته ام مکن، و آنچه را که برابم مقدر نموده ای دستیابی به آن را سهل و آسان
ساز. پروردگارا! به بهترین وجه پدر و مادر و تمامی کسانی را که موهبتی بر من داشته اند پاداش خیر عنایت
فرما. خدایا مرا برای کاری که به خاطر آن آفریده شده ام آسوده خاطر قرار ده و مرا به آنچه که خود متکفل آن
گردیده ای مشغول مدار، و در حالی که از تو طلب غفران و بخشش می کنم عذابم مکن، و در حالی که از تو
درخواست می نمایم محروم مساز. پروردگارا! نفس مرا در نظر خودم خوار و ذلیل، و شأن و منزلت خودت
را در نظرم بزرگ بدار، و طاعت نسبت به خودت و عمل به آنچه که خوشنودی و رضای تو را فراهم می سازد،
و اجتناب از آنچه که تو را به خشم می آورد، به من الهام فرما، ای بخشنده ترین بخشنندگان!

منصور حلاج گفت: «أنا الحق»^(۱).

بایزید بسطامی گفت: «لیس فی جَبَّتِی سوی الله»^(۲) نیست در لباسم جز خدا». و دیگری می گوید: الهی تا حال می گفتم: «لا تأخذُ سِنَّةً وَلا نَوْمً»؛ اکنون می بینم مرا هم لا تأخذنی سِنَّةً وَلا نَوْمً^(۳). آری،

در عرفان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام شطحیات منصور حلاج و بایزید و دیگر صوفیه، بکسره خرافات و نفس پرستی است.

خیز تا خرقة صوفی به خرابات بریم

شطح و طامات به بازار خرافات بریم^(۴)

آری، آری،

تمام عرفان را باید در دعای کمیل، مناجات شعبانیه، دعای ابو حمزه ثمالی و سایر ادعیه نورانی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله حسد جو کرده در عرفان ابن عربی و صوفیه. دشمنان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بار بودن سنا ب و مقامات آن بزرگواران الهی، مردم ناآگاه را مجذوب خویش ساخته و آنان را از صراط مستقیم الهی خارج و در مسیر فتنه ها و انحرافات سرازیر نمودند.

و تمام هدف ما از نوشتن این مجموعه این بود که خوانندگان محترم با دلایل علمی گویا بدانند که عرفان صوفیانه هرگز قابل اعتماد نیست. بحمد الله و المنة چاپ اول این مجموعه مورد استقبال و تحسین اهل علم قرار گرفت و بسیاری از علمای اعلام جهان تشیع و مراجع عظام تقلید و فقهای ارجمند، کتاب فوق را مورد تأیید خویش قرار داده و برخی از این بزرگواران، تقریظیه ای نیز در حمایت از این کتاب نوشتند که ان شاء الله اگر فرصت شود برخی از این تقریظیه ها را در جزوه ای عرضه خواهیم نمود.

۱. منتهی، دفتر چهارم.

۲. تذکرة الأولیاء، بخش منصور حلاج.

۴. حافظ.

۳. الهی نامه، چاپ اول.

اکنون خداوند متعال را سپاسگزاریم که این کتاب به چاپ دوم رسیده است. مادر چاپ دوم این مجموعه، بر آن شدیم که کتاب را جامع تر عرضه بداریم، بنابر این پنج الحاقیه مفید را به آخر این کتاب افزودیم تا شخصیت و عرفان ابن عربی بهتر برای محققین معرفی گردد.

از خوانندگان محترم تقاضا داریم که این اضافات را با دقت مطالعه نمایند؛ زیرا در آنها مطالب ارزشمندی مطرح شده است، به ویژه الحاقیه چهارم که برگرفته شده از کتاب گرانگ «محبی الدین در آینه فصوص» - نوشته متفکر بزرگ شیعه علامه آیت الله - ج شیخ مرتضی رضوی دام ظلّه - می باشد که در این کتاب مباحث بسیار دقیق و گویایی طرح شده است.

در پایان از محققان و ناضل ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین شیخ علی عزیزپوریان، که این حق را در نوشتن الحاقیات مدد نمودند تشکر و قدردانی می نمایم و آرزوی موفقیت روزافزون را برای این فاضل جوان از درگاه خداوند متعال خواستارم.

سید محسن طیب نیا

۱۰، بیع الأول ۱۴۳۶ هـ

مقدمه

«ابن عربی» شهرت بسیار چهره در عرفان نظری است. تصوف بعد از طی کردن فراز و نشیب‌های گوناگون در قرن هفتم توسط ابن نابغه کم نظیر به اوج شکوفایی خویش رسید؛ هنر ابن عربی در این بود که توانست عقاید صوفیان قبل از خود را با کمک گرفتن از فلسفه، مکتوب سازد که با آن بتوان «عرفان نظری» نهاده شد؛ و این چنین است که می‌بینیم رسماً تصوف علمی و نظری با ظهور ابن عربی ایجاد شد و هم او آن را به شکوفایی و اوج رونق خویش رسانید.

این شخصیت بزرگ از معدود شخصیت‌هایی است که در عالم اسلام مواضع کاملاً متفاوتی در برابر او گرفته‌اند: برخی به او عالی‌ترین مقام شایسته و عرفان را دادند و او را «شیخ اکبر» و «محمی الدین» نام نهادند و در دیدگاه برخی دیگر آن چنان مبغوض جلوه کرد که به او لقب «ممیت الدین» دادند. استیلا سدید مطهری در این باره می‌نویسد:

هیچ کس به اندازه محی الدین درباره‌اش متناقض اظهار نظر نشده است؛ بعضی او را از «اولیاء الله» و «انسان کامل» و «قطب اکبر» می‌دانند و بعضی او را یک کافر مرتد. و گاهی «ممیت الدین» و «ما حی الدین» می‌خوانند.^(۱)

و درباره عقاید و حرف‌های وی می‌نویسد:

حرف‌هایش هم همین طور است: بعضی از حرف‌هایش که از او شنیده شده است، شاید از منحنی‌ترین حرف‌هاست و در مقابل عالی‌ترین و پرجاذبه‌ترین حرف‌ها هم از او شنیده شده است.^(۱)

چیزی که هست، حتی شدیدترین مخالفان وی هم به برتری مقام و علم و فضلش اعتراف نموده‌اند؛ اما در خصوص ایمان و اعتقاد دینی او کمتر کسی را می‌توان یافت که زبان قدح و سرزنش او ننگشاید و تمام افکار و عقاید او را مطابق شرع بدانند؛ زیرا به انحراف دوست و دشمن در سخنان ابن عربی مطالبی است که ظاهر آن کفر و الحاد است. با ظاهر دین و شریعت سازگار نمی‌باشد؛ مگر اینکه مانند بعضی از مباحثش برای آن تأویلی بسیار بعید قائل شویم!

در این مجموعه محضر که با نگاهی نقادانه عقاید و اندیشه‌های ابن عربی مورد بررسی قرار گرفته، سعی شده است در رعایت انصاف مباحث به گونه علمی و استدلالی بیان شود، و هدف این است که خواننده به این نتیجه برساند که ابن عربی هر چند دانشمند و عالمی بزرگ در عرصه معارف بشری است؛ اما اشتباهات بزرگ هم در آثار وی به وفور یافت می‌شود؛ بدون شک سخنان نادر ابن عربی موجود است؛ اما چون عمدتاً در این چند دهه اخیر از این شخصیت تحریف و تمجید شده، متأسفانه در بیشتر مواقع اغلاط فراوان علمی و انحرافات عقیدتی وی نادیده گرفته شده است؛ لذا در این مجموعه رویکرد مؤلف صرفاً جنبه انتقادی دارد.

اعتقاد ما بر این است که بشر به هر مرحله‌ای از علم و دانش برسد باز به تنهایی نمی‌تواند معارف ناب توحیدی را عرضه کند، بشر باید معارف ناب را از وحی و واسطه‌های آن که همان معصومان علیهم السلام‌اند، اخذ نماید.

عمده راه ابن عربی برای رسیدن به معارف، سیر و سلوک و شهودات شخصی خویش

است و از منظر منتقدان، اشتباهات بزرگ وی به خاطر همین است که جهت نیل به معرفت تکیه بر قوای خویش نموده و در نتیجه دچار لغزش های بزرگ در عرصه عقاید و معارف گردیده است.

البته برخی از طرفداران و ارادتمندان ابن عربی که شخصیت علمی او در نظرشان درخشیده است به سختی انتقاد بر وی را می پذیرند و همواره منتقدان را به عدم فهم و بصیرت متهم می کنند!! سؤال منتقدان این است که با فراوانی اشتباهات و انحرافات در آثار ابن عربی آیا می توان وی را پدر عرفان اسلامی نام نهاد؟! در پاسخ باید گفت:

إِغْرِفِ الْحَقَّ، تَعْرِفِ أَهْلَهُ؛^(۱)

ابتداءً پس آن را میزبان و معیاری برای شناخت افراد قرار بده.

توجه به روایتی زیبا و جاسع از مرلی الموحدین و امام المتقین علی بن ابی طالب علیه السلام بسیار رهگشاست:

...إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَمِلَ الْعِبَادَةُ نَفْسَهُ، وَلَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَصِرَاطَهُ وَسَبِيلَهُ وَالْوَجْهَ الَّذِي يُشَاهِدُهُ، فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَلَائِنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ فَلَا يَسْتَنِيهِمْ مِنْ أَعْتَصَمَ النَّاسُ بِهِ وَلَا سِوَاهُ حَيْثُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونٍ كَذِبَةٍ شَرَعَ ضُفَاهَا فِي بَعْضٍ، وَذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ إِلَيْنَا إِلَى عُيُونٍ صَافِيَةٍ تَجْرِي بِأَمْرِ رَبِّهَا لَا نَفَادَ لَهَا وَلَا انْقِطَاعَ.^(۲)

بدرستی که خداوند تبارک و تعالی اگر بخواهد خودش را به بندگان می شناساند اما ما را درها و مسیرها و راه خودش و جهتی قرار داده است که از آن طریق (معرفت خداوند) گرفته شود. پس کسی که از ولایت ما سرپیچی

۱. روضة الواعظین، انتشارات رضی، سال چاپ ۱۳۷۵، قم، ج ۱، ص ۳۱.

۲. الکافی، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، سال چاپ ۱۴۰۷ هـ. ق، تهران، ج ۱، ص ۱۸۴، ح ۹.



کند یا غیر ما را بر ما برتری دهد، بدرستی که از راه درست فرو غلطیده است. پس کسانی که مردم به آنان متمسک می شوند با هم برابر نیستند و برابر نیست آن گاه که مردم به سوی چشمه های گل آلودی که در هم آمیخته می روند و کسی که به سوی ما می آید به سوی چشمه سارانی زلال و پاک می آید که به امر پرودگارشان جاری هستند و هرگز نابودی و پایانی ندارند.

در این روایت شریف تنها راه شناخت و عرفان حقیقی، صراط اهل بیت علیهم السلام معرفی شده است و کسانی که از ولایت ایشان روگردان شده اند و دیگران را راه های حقیقی شناخت می دانند، از صراط مستقیم منحرف می داند؛ لذا برای عدم انحراف از مسیر صحیح الی هر کس با هر عنوان و اسم و رسمی که باشد اگر با معیارهای اهل بیت علیهم السلام همراه نباشند، سبب انحراف و مطرود است؛ حتی اگر شخصیتی به عظمت شیخ اکبر عرفان موسوم، عرفان اسلامی باشد.

متأسفانه بسیاری راه را کم کرده اند، به جای اینکه دامن خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را بگیرند و شخص الهی و تبارک و تعالی را امیر مؤمنان علیه السلام را مقتدای خود در معارف بدانند، دامن بشری را گرفته اند و سخنان و عقاید او را محور عرفان و توحید قلمداد کرده اند.

امیر مؤمنان علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی فرمودند:

يَا كَمِيلُ! لَا تَأْخُذْ إِلَّا غَنَّا تَكُنْ مِنَّا؛^(۱)

ای کمیل! (معارف را) جز از ما فرامگیر تا از ما باشی.

و باز مولای عارفان می فرمایند:

تَاللَّهِ لَقَدْ عَلَّمْتُ تَبْلِغَ الرُّسُلَاتِ وَ إِيْتِمَامَ الْعِدَاتِ وَ تَمَامَ الْكَلِمَاتِ وَ عِنْدَنَا أَهْلُ النَّبِيِّ أَبْوَابُ الْحُكْمِ وَ ضِيَاءُ الْأَمْرِ؛^(۲)

۱. تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، سال ۱۳۶۳، قم، ص ۱۷۱.

۲. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، انتشارات هجرت، سال چاپ ۱۴۱۴ ه. ق، قم، ص ۱۷۶، خطبه ۱۲۰.

به خدا قسم، رساندن پیام‌های تبلیغی و اتمام وعده‌ها و تمام کلمات و علوم و معارف الهی به من تعلیم شده و ابواب حکمت و روشنائی‌های امر دین و دنیا نزد ما اهل بیت علیهم‌السلام است.

و امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَ هُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا؛^(۱)

دروغ می‌گوید آنکه خود را شیعه ما پنداشته و در عین حال تمسک به غیر ما جسته است و رو به سوی غیر ما نماید.

حال سخن این است که با این همه سفارشات خاندان طهارت علیهم‌السلام آیا سزاوار است که شیعیان دامان خاندان طهارت علیهم‌السلام را رها کنند و دامان دیگران را بگیرند؟! البته منظور این نیست که آثار این بزرگان عرصه عرفان بشری مطالعه نشود؛ بلکه سخن این است که عقاید خود را بر این نگیریم و الا مطالعه و آشنا شدن با افکار و اندیشه‌های ابن عربی به شرط ایستادن در مقام تابع خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام باشیم نه تنها برای اهل علم ایرادی ندارد بلکه چه بسا در موضعی مفید هم باشد. برخی می‌گویند که اگر با دیده دقت به عرفان ابن عربی نگاه شود مشاهده می‌شود که بسیاری از سخنان وی قابل تطبیق با آیات و روایات می‌باشد.

در جواب باید گفت:

اگر بتوان سخن ابن عربی و امثال وی را با توجیهات درست و علمی مواجه کرد، انصاف این است که باید چنین کرد؛ اما حقیقتاً بسیاری از سخنان این بزرگان عرصه سیر و سلوک به هیچ عنوان قابل توجیه نمی‌باشد. به عنوان مثال: ابن عربی در کتاب فصوص الحکم در فض هارونیه ادعا دارد که برخورد شدید موسی علیه‌السلام با برادرش هارون علیه‌السلام - آنگاه که از سفر برگشت و دید قوم وی گوساله پرست شده‌اند -، به خاطر



این بود که هارون رضی الله عنه قلبش مانند موسی رضی الله عنه اتساع نداشت به همین دلیل انکار گوساله پرستی می نمود! در دیدگاه ابن عربی گوساله پرستی عین خدا پرستی است؛ وی پرستش گوساله را پرستش خدا می داند!! حال این سخن که کاملاً مغایر با آیات قرآن است چه توجیهی می تواند داشته باشد؟!

و یا در همین کتاب در فصل موسویه با وجود نصوص قرآنی در هلاکت و عاقبت به شر شدن فرعون، او را اهل نجات معرفی می کند!

و یا در کتاب فتوحات مکیه عقیده به جبر مطلق را مطرح می کند و مثال ما انسان ها را همان عروسک نیمه شب بازی می داند که هیچ حرکت و اثری از خود ندارد و دهها مورد دیگر که را این مجموعه به صورت کامل بحث و نقد شده است.

برخی از طرفداران ابن عربی ممکن است بگویند: درک معارف و اسرار عرفانی، احتیاج به ذوقی ظریف و تخیلی رقیب قلبی لطیف دارد و می بایست ابتدا مراحل سیر و سلوک گذرانده شود تا فهم این کتاب بر قلب تأیید شود، به همین دلیل مخالفان و منتقدان عاجز از فهم اوج این معارف هستند.

بی اعتباری این ادعا روشن است؛ با توجه به اینکه هر مدعی در هر نحله و روش عقیدتی می تواند از این نوع ادعاها و یا شبیه اینها داشته باشد! دیگر هیچ محقق و یا جوینده حقی، حق بحث و گفتگو پیرامون این عقاید و روش ها را نخواهد داشت، زیرا در صورت نقد آنها، از ابتدا متهم خواهد بود.

نکته بسیار مهمی که لازم است در این مقدمه به آن اشاره شود این است که در عرفان متداول، نهایتاً برای اثبات مدعای خود به خصوص در بحث وحدت وجود متوسل به بیان مکاشفات خود و دیگران می شوند. مسلم است که نمی توان این نوع اثبات مدعا را پذیرا شد؛ زیرا اولاً: حتی به قول خود عرفا و متصوفه نمی توان اطمینان داشت که آیا مکاشفات و رؤیاها رحمانی است و یا شیطانی، ثانیاً: مخالفین نیز می توانند مدعی مکاشفاتی در رد نظریات آنها باشند و همان اعتباری که مکاشفات

مثبتین دارد همان اعتبار را مکاشفات مخالفین نیز داشته باشد، ثالثاً: در هر صورت مسلم است که رؤیا، خواب و مکاشفه حجت نیست.

برخی برای موجه جلوه دادن عقاید ابن عربی، از برخی از علمای شیعه که مدافع وی بوده‌اند، نام می‌برند تا بدین وسیله عقایدش را موجه جلوه دهند.

در جواب باید گفت: اولاً: عقاید صحیح را باید با خود حق سنجید نه شخصیت‌ها، ثانیاً: اگر برخی از علمای شیعه مدافع وی بودند، همچنین می‌بینیم که تعداد بیشتری از علما در مقابل وی و عقایدش ایستادند. به هر حال ملاک سنجش، خود حق است نه شخصیت‌ها، و مسائل عقیدتی تقلیدی نیست.

در مواردی طایفان ابن عربی برخی از سخنان وی - خصوصاً در تعریف و تمجید خلفاء سه گانه - که هیچ راه توجیه ندارد را یا حمل بر تقیه می‌کنند یا می‌گویند از تحریفات آثار ابن عربی است.

باید گفت:

مواردی را می‌توان حمل بر تقیه کرده و صورت نادر در آثار نویسنده‌ای باشد؛ اما اگر نویسنده‌ای دائم از عقیده‌ای سخن گوید و یا استدلال برای حقانیت آن اقامه کند عقلاً و اهل علم آن مورد را حمل بر تقیه نمی‌کنند؛ عنوان مثال: ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه که بزرگترین و مشهورترین کتاب او است، اتم از فضائل و مناقب شیخین سخن می‌گوید و حتی احادیث جعلی را برای این منظور به استخدام می‌گیرد و تا آنجا پیش می‌رود که خلیفه دوم را معصوم معرفی می‌کند؛ چیزی که حتی خود اهل سنت نیز بدان قائل نیستند - با وجود چنین مطالب گسترده‌ای کدام محقق منصف بی‌طرفی می‌تواند احتمال تقیه را بدهد؟!

و اما درباره تحریف آثار وی:

در نزد هر پژوهشگر عرصه علم و تاریخ، آنچه در این باره ملاک است نسخه‌های خطی قدیمی است؛ بنابراین اگر مطلب یا مطالبی در معتبرترین نسخه‌های خطی نویسنده‌ای یافت شود، آن مطالب مورد پذیرش اهل علم و تحقیق خواهد بود.

با این توضیح می‌گوییم:

آن مطالبی که برخی از طرفداران ابن عربی جزو تحریفات او می‌دانند، در معتبرترین نسخ خطی موجود است؛ به عنوان نمونه برخی از باور کنندگان عقاید وی که شیعه نبودن وی را بر نمی‌تابند، توهین و فحاشی ابن عربی به شیعه و شهود شیعه به صورت خوک را جزو تحریفات آثار وی نام می‌برند، این در صورتی است که این توهین در نسخه‌های معتبر خطی فتوحات مکیه موجود است. به هر حال باید عالمانه و کارشناسانه سخن گفت و بحث نمود نه از روی تعصبات و پیش‌داوری‌ها.

اکنون باید گفت: آیا می‌توان به سخنان ابن عربی که از طرفی به پیروان اهل بیت علیهم‌السلام توهین و جسارت می‌کند، و از طرف دیگر امثال متوکل عباسی که در خونریزی شیعیان علیهم‌السلام زبانزد عام و خاص است را از اولیای خدا معرفی می‌کند، اعتماد کرد و وی را از اولیای خدا دانست؟!۱

آیا می‌توان کسی که در فتوحاتش شیعیان دوازده امامی را جزو منحرف‌ترین طوایف شیعه نام می‌برد، از اکابر عرفای صوفی و صاحب کمالات دانست و دائم سنگ وی را به سینه زد و با تمام توان سعی در موجه جلوه دادن عقاید وی نمود؟!۲

خلاصه مطلب اینکه در سخنان ابن عربی مخالفان هائی آشکاری با شرع؛ بلکه با عقل و وجدان دیده می‌شود که جای هیچ گونه توجیه علمی و عقلی ندارد.

در این مجموعه که از دهها منبع معتبر استفاده شده، مباحث بدون تعصب و با محوریت وجدان و عقل مورد بررسی قرار گرفته است، و امید است که ان شاء الله سبب آگاهی و ارشاد جویندگان حقیقت شود.

لازم به یاد آوری است که منظور نویسنده اشاعه حق و حقیقت و مبارزه با انحرافات و عقاید ناسالم است و از خوانندگان عزیز درخواست می‌شود مطالب این مجموعه را با دقت و بدون تعصب بخوانند و مؤلف را از دعای خیر خود فراموش نکنند. در پایان

بر خود لازم می‌بینم که از زحمات تمامی اساتید ارجمندی که اینجانب را در تهیه این مجموعه یاری نمودند کمال تشکر و امتنان را بنمایم.

و من الله التوفیق و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

سید محسن طیب‌نیا

شیراز سومین حرم اهل بیت علیهم‌السلام در ایران

تیر ماه ۱۳۹۰ برابر با ۱۹ شعبان المعظم ۱۴۳۲

www.ketab.ir